

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## ضرورت تحکیم امنیت بین‌المللی و نحوه علامتگذاری تروریست‌ها چگونگی مناسبات دولت - ملت در کشور عزیز ما افغانستان میهن افغان‌ها در امتداد زمانی حاکمیت "طالب"‌ها

**"طالب"‌ها، اعتراضات اجتماعی و افزایش بحران رهبری  
شکله‌های باورمندی بدین اسلام با قرائت اعتدالی  
نظم‌گفتمان ادبی و بازچیده شدن سریع سیاست  
مفهوم حاکمیت قانون از نظر حقوقی**

امنیت بمفهوم دوری از هر نوع تهدید و نیز آمادگی بمنظور رویارویی با خطرات پنداشته می‌شود. مفهوم امنیت نسبی و دارای شدت و ضعف می‌باشد. باین معنا که در برخی موقعیت‌ها (زمان و مکان‌های مختلف) در ذهن افراد ارتقا یا کاهش می‌یابد. امنیت از ضروری‌ترین نیازهای جامعه می‌باشد. امنیت در گفتمان سیاسی بر نبود خطر و تهدیدها استوار است. مفهوم‌های مرتبط با امنیت در فارسی کلاسیک با واژه‌های زنه‌اروژنه‌اری ادا می‌شود. مفهوم امنیت از یکسویسبب است، بدین معنا که هر انسانی امنیت یا نا امنی را درک می‌کند، ولی از سوی دیگر پیچیده است و تعریف‌های متعدد و متنوعی از آن ارائه می‌شود. بمنظور درک بهتر امنیت، در مطالعات امنیتی تلاش می‌شود کاین مفهوم را با جزای کوچکتر و قابل درک تری بشکنند، منجمله، تجزیه مفهوم امنیت بارکان آن. ارکان امنیت عبارتند از: مرجع امنیت، تهدید امنیت، تولیدکننده امنیت، ابزار و روش تولید امنیت و بالاخره غایت امنیت. مهمترین رکن امنیت، مرجع امنیت است. مرجع امنیت ناظر بر این پرسش اساسی است: امنیت چه کسی؟ یا چه چیزی؟ قسمت دیگری از شکستن مفهوم امنیت. بمنظور درک بهتر مفهوم امنیت، شکستن این مفهوم بسطوح امنیت است. این سطوح عبارتند از امنیت جهانی، امنیت بین‌المللی، امنیت منطقوی، امنیت ملی، امنیت داخلی و خارجی، امنیت عمومی، امنیت اجتماعی و بالاخره امنیت فردی. ابعاد امنیت نیز تلاشی بمنظور فهم بهتر مفهوم امنیت می‌باشد. این ابعاد امروزه در برگیرنده بُعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و بالاخره زیست محیطی می‌باشد.

در سرآغاز بحث حاضر، تذکر این مسأله لازمی پنداشته میشود که موافقتنامه ماه دلو دوحه در سال ۱۳۹۸ خورشیدی میان ایالات متحده و "طالب"‌ها، قبل از همه و بیش از سایر موارد، بامر مبارزه علیه "دولت اسلامی" و "القاعده" تمرکز نموده و در مورد یادشده تأکید بعمل آمد. بر بنیاد اظهارنظرهای عده ایی از کارشناسان، برخی از موارد و بخش‌های موافقتنامه یاد شده بگونه ایی مخفی نگه‌داشته شده و در برخی موارد هم، بگونه شفاهی تعاملاتی صورت گرفت. اما فرآیندهای مهم بوجود آمده و بده و بستان‌هایی بویژه با بقدرت رسیدن "طالب"‌ها و چگونگی وضعیت سیاسی - اجتماعی در کشور را بهیچوجه نباید فراموش نمود، چه، در بسا موارد، بسیاری از بخش‌های موارد گفته آمده از انظار شهروندان کشور مخفی و پنهان نگه‌داشته شد. برخی هم باین باورند که تصمیم اتخاذ گردید تا بدرخواست ایالات متحده در مورد، اشاره ایی صورت نگیرد، زیرا توافق دوحه میان ایالات متحده و "طالب"‌ها در امتداد زمانی ریاست جمهوری دونالد ترامپ تدوین و عقد گردیده بود. اما این واقعیت بهیچکسی پوشیده نمی‌باشد که مجموعه غرب و قبل از همه، ایالات متحده بگونه عملی در تمامی موارد و بخش‌های سیاست بین‌المللی از کاربرد ستاندردهای دوگانه ایی نفع می‌برد. واقعیت یادشده بوضاحت کامل در رویکرد مبارزه علیه تروریسم بمشاهده می‌رسد. چه، در شرایط حاضر و وضعیت کنونی، بنظر می‌رسد کاستاندردهای یادشده، البته با برخی از تفاوت در مورد کشور عزیز ما افغانستان نیز

اعمال می گردد. امریکایی ها در کشور ما به تفکیک تروریست های "خوب" و تروریست های "بد" مبادرت نورزیدند، بلکه آنها را بسادگی با این فرض که ممکن برای امریکا مفید باشند، فراموش نمودند. علاوه بر آن، در موافقتنامه دوحه میان ایالات متحده و "طالب" ها، از مجموع گروه بندی های تروریستی، صرف از "دولت اسلامی" و "القاعده" تذکر بعمل آمد و بس.

نخستین اظهارات در مورد تحکیم موقعیت و ازدیاد پوتانسیل "دولت اسلامی" و "القاعده" در سرزمین و اراضی کشور ما، توسط آنهایی بعمل آمد که بیشترین آنها در تابستان سال روان وارد ارتش ایالات متحده گردیده بودند. اگر چه نماینده های کنگرس ایالات متحده بعوض اینکه در مورد علل و عوامل حملات تروریستی تمرکز نمایند، بیشتر در مورد افزایش حملات یاد شده سخن گفتند. اما علاوه بر آن، با وجود آنکه موانع موجود در این مسیر توسط نماینده های جمهوری خواه از میان برداشته شد، اما در مورد دلیل فراخواندن نظامیان ایالات متحده از کشور ما، بیشتر از پیش، موجودیت فعال "داعش" و "القاعده" در کشور ما عنوان گردید. در مورد یاد شده، بیشتر از دیگران، میان کنت مکنزی و دیوید پیترانوس اختلاف نظرهایی موجود بود. کارشناسان و دست اندرکاران مسایل موجود، پرسش هایی را در مورد چگونگی اهداف و برنامه های "داعش" و "القاعده" مطرح می نمایند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که، بویژه در امتداد سال ۱۳۶۷، مدتی پس از فراخواندن نظامیان اتحاد شوروی از افغانستان به کشورشان، "القاعده" شکل گرفته و مبارزه و نبرد منحصر بفردش را علیه امریکایی ها و کشورهای باصطلاح جهان غرب و طرفداران و هم پیمانان آنها در کشورهای اسلامی آغاز کردند. عمده ترین هدف گروه بندی های یاد شده، سرنگونی رژیم های سیکولار و پایه گذاری "خلافت بزرگ اسلامی" در کشورهای یاد شده پنداشته می شود. دست اندر کاران امور منطقوی، تاریخ "القاعده" را در مجموع به پنج مرحله تقسیم می نمایند:

- شکل بندی "القاعده" در اوایل سال ۱۳۶۷ خورشیدی برابر با ختم سال ۱۹۸۰ ترسایبی؛

- اقدام بانجام فعالیت های تحریک کارانه در امتداد سال های ۱۳۶۹ - ۱۳۷۵؛

- اوج شکل گیری طی سال های ۱۳۷۵ - ۱۳۸۰؛

- در امتداد سال های ۱۳۹۱ - ۱۳۹۵ هم عرض اندام نمودن بمثابه شبکه و در نهایت امر، پیدایش نشانه های ذوال پس از سال ۱۳۹۵ خورشیدی. قابل یاددهانی پنداشته می شود که نشانه های ذوال، بویژه پس از اعلام "سوگند وفاداری" الظواهری به ملا منصور رهبر "طالب" ها در امتداد سال های ۱۳۹۲ - ۱۳۹۵ و پس از آن در پایان سال ۱۳۹۵ خورشیدی به ملاءهبت الله اخوند زاده پنداشته می شود. اما نباید فراموش خاطر ما گردد که پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، الظواهری بگونه غیرمنتظره ایی در کابل مخفی گردید.

بخاطر باید داشت کایجاد و پایه گذاری "خلافت" مانند آنچه در سده های میانه (قرون وسطا) پابعرضه وجود گذاشته بود، از جمله عمده ترین و مهمترین رسالت "داعش" پنداشته می شود. یادآور باید شد که در آغاز امر، "داعش" در صدد آن شد تا بروسعت و گسترش نفوذ و تاثیر گذاری اش در اردن، فلسطین، لبنان و پس از آن برکل جهان اسلام مبادرت ورزد. "داعش" در صدد ایجاد "خلافت" بمفهوم واقعی کلمه و برخلاف "اخوان المسلمین" مصر و "القاعده" کاصل "خلافت" برایشان بمثابه ایده معنوی و بمثابه هدف دراز مدت پذیرفته شده، اقدام نمود. اما انجام اقدامات بیرحمانه "داعش"، توسط بیشترین کشورهای اسلامی محکوم گردیده و عملکردهای گروه یاد شده را در مجموع بمثابه بدعت در اسلام می پندارند. "دولت اسلامی" در کشورهای اسلامی برسمیت شناخته نمی شود. بنابر همین دلایل و بر بنیاد سلسله واقعبت های موجود، حمایت "طالب" ها از "دولت اسلامی" در عمل غیرممکن پنداشته می شود، چه، در سا ختار "خلافت" مورد نظر "داعش"، جا و محل مستقلی برای "امارت اسلامی افغانستان" اصلن وجود خارجی ندارد. رسانه های امریکایی با اشاره برقم یاد شده توسط ناهید فرید، نماینده پیشین پارلمان کشور اشاره نموده و یادآور می گردند که بتعداد ۴۵۰ تن از جنگجویان "داعش" در افغانستان مصروف انجام اقدامات خرابکارانه و تروریستی می با شدند. این مساله در نوع خود جالب بنظر می رسد که چسان وبا استفاده از چه طرق و وسایلی، این نماینده قبلی پارلمان کشور، با اقدامات سری اینچینی دسترسی حاصل نمود؟

با این وجود، سیاستمداران امریکایی و رسانه های مغرضی از قبیل "تلویزیون بین المللی افغانستان" که از دفترهایش واقع در لندن و واشنگتن به سخن پراگنی مشغول می باشند، در تمامی نشرات و برنامه هایش صرف از دو گروه تروریستی ذکر شده یادآوری بعمل می آورد، در حالی که در کنار گروه های یاد شده، گروه ها و دسته بندی های دیگر بنیاد گرآها را که هم برای مجموع جهان و هم برای منطقه بمراتب خطر آفرین تر محسوب می گردند، اصلن فراموش نموده است. گروه ها و دسته بندی های یاد شده را می توان ذیلن برشمرد:

"لشکرطیبه" که یکی از جمله بزرگترین و فعالترین گروه تروریستی در جنوب آسیا محسوب می گردد. دسته بندی یاد شده در امتداد سال ۱۳۶۸ خورشیدی با کمک ها و معاونت های مادی و مالی اسامه بن لادن ایجاد گردیده که هدف آنرا آزادی کشمیر تشکیل داده و در سرزمین و اراضی متعلق به پاکستان و افغانستان مستقر بوده و در کشمیر و هند به اجرای عملیات و اقدامات مسلحانه متوسل گردیده و همچنان برخی از عملیات دهشت افگانه را در سرزمین و اراضی پاکستان نیز برنامه ریزی نموده و با اجرای عملی آنها مبادرت می ورزند.

"جیش محمد" که متشکل از جهادپست های پاکستانی در کشمیر بوده و بانجام اقدامات تروریستی مبادرت می ورزند. گروه یاد شده در سال ۱۳۷۹ خورشیدی ایجاد گردید. هدف غایی و نهایی دسته بندی یاد شده را جداسازی کشمیر از بیکر هند و تعلق آن به پاکستان تشکیل می دهد. همچنان بر بنیاد برنامه های گروه یاد شده، پس از آزادی کشمیر، باصل جهاد در مناطق و سایر محلات هند به هدف راندن و کوچ دادن اهل هند و سایر پیروان غیر اسلامی از شبه قاره هند تداوم بخشیده و همچنان تحکیم مناسبات با "طالب" ها و "القاعده" در افغانستان را لازمی می پندارند. عده ای هم متذکر گردیده یادآور می گردند که "جیش محمد" بکمک و معاونت مستقیم استخبارات داخلی پاکستان به هدف انجام اقدامات تروریستی در کشمیر و مناطق مورد نظر ایجاد گردیده است.

"تحریک طالب های پاکستان" که در نوع خود گروه بندی بنیادگرا محسوب گردیده و در سال ۱۳۸۶ پابعرضه وجود نهاده و در مناطق قبیلہ یی تحت اداره فدرال پاکستان و همچنان در بخشهایی از کشور ما دارای پایگاههایی می باشند. گروه یاد شده، اتحاد و وحدت گروه بندی های یاد شده پاکستانی را بر بنیاد هدف واحد و یگانه که عبارت از حاکم گردیدن "شریعت" در پاکستان، مبارزه علیه حاکمان پاکستانی، مقابله با نظامیان ناتو در افغانستان و پاکستان (قبل از سال ۱۴۰۰) تشکیل می داد. "تحریک طالب های پاکستان" در واقع، خواهان اتحاد عمل با "طالب" های افغانستان نمی باشند.

گروه یاد شده در جریان نبردهای ۲۰ ساله پسین در افغانستان، الی سال پار باهم یگانگی و تشریک مساعی داشتند. آنها از لحاظ تاریخی و از رهگذر اهداف شان، اندکی از دیگران متمایز می گردند.

"جنبش اسلامی ترکستان شرقی"، "حزب اسلامی ترکستان"، "جنبش اسلامی ترکستان"، تشکیلات غیر قانونی "ایغور" ها که هدف کلی آنها را ایجاد و پایه گذاری دولت مستقل اسلامی در ترکستان شرقی و گرویدن شهروندان چین باسلام تشکیل می دهد.

سازمان و گروه بندی تروریستی "جنبش اسلامی ازبکستان" که در سال ۱۳۷۵ خورشیدی و با اشتراک و سهمگیری اعضای برخی از احزاب سیاسی ممنوعه در ازبکستان پایه گذاری شد. هدف آن بگونه کلی عبارت از سرنگونی رژیم سیکولار در ازبکستان و استقرار حاکمیتی بر بنیاد "شریعت" در آن کشور می باشد. گروه بندی یاد شده در برخی از کشورهای جهان، بشمول روسیه و آمریکا بمثابه گروه تروریستی بشمار می آید.

"جماعت انصارالله" که بمثابه دسته بندی تروریستی در تاجیکستان شناخته می شود. گروه یاد شده نیز استقرار "شریعت" در تاجیکستان را بمثابه هدف غایی شان می پندارند. بر بنیاد برخی از اطلاعات موجود، "طالب" ها، پنج منطقه مرزی در ولایت بدخشان را که با کشور تاجیکستان هم مرز می باشد، در اختیار جنگجویان گروه یاد شده قرار داده و معاونت های تسلیحاتی و تجهیزاتی را برای آنها فراهم می نماید.

گروه یاد شده توسط روسیه، استرالیا، کانادا، هند، پاکستان، امارات متحده عربی، انگلستان، آمریکا و سازمان ملل بمثابه دسته بندی تروریستی شناخته می شود.

بر بنیاد آمار و ارقام متعددی، در کشور عزیز ما افغانستان بتعداد ۲۰ - ۵۰ گروه مختلف و متنوع تروریستی بانجام اقدامات تروریستی و خرابکارانه مشغول می باشند.

از جانب دیگر، پاکستان افغانستان را مسؤل گلوله باری در برخی از مناطق و محلات مرزی آن کشور پنداشت. در این مورد بایست متذکر گردید که شهباز شریف نخست وزیر پاکستان بتاريخ ۲۴ ماه قوس سالروان از گلوله باری بر مناطق مرزی پاکستان توسط مرزبانان افغان خبر داد که در نتیجه آن بتعداد ۷ تن از شهروندان پاکستانی کشته شده و بتعداد ۱۷ تن هم مجروح گردیدند. قبلن بتاريخ ۲۰ ماه قوس سالروان، برخی از افغان ها در صدد برداشتن و رفع موانع و ساخت و سازها ایجاد شده توسط پاکستان در امتداد مرز گردیدند. پس از چنین وضعیتی و اقدامات اینچینی توسط پاکستان، از جانب نیروهای مرزی کشور تیراندازی صورت گرفت که در نتیجه آن بتعداد ۶ تن از شهروندان ملکی و یک تن از نظامیان پاکستانی کشته شده و بتعداد ۱۷ تن هم مجروح گردیدند.

بر بنیاد اطلاعات بدست آمده، بتاريخ ۳۱ ماه سنبله سال روان، در جریان درگیری نظامی میان مرزبانان پاکستانی

و جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" و تشدید حملات از جانب افغانستان، یک تن از نظامیان پاکستانی کشته شدند.

شنبه ۲۶ ماه قوس سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۱۷ ماه دسامبر سال ۲۰۲۲ ترسایی